

گفت و گوی «ایران» با «محمد حسین ماتک» تصویر گر برگزیده جایزه «قلم طلایی بلگرد»

جای خالی تعامل میان نویسنده و تصویر گر

داستان با تصویر گری خوب راه خود را پیدا می کند/ تنها استعداد کار گشا نیست/ ذائقه سنجی مخاطب ضرورت ورود به موقعیت جهانی است

◀ **مریم شهبازی**

خبرنگار

صنعت نشرمان بویژه در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان بیش از یک دهه‌ای می شود که به سوی رعایت شاخص‌هایی متناسب با استانداردهای جهانی گام برداشته است. در همین رابطه شاهد فعالیت مؤسسات نشری هستیم که برخلاف گذشته هیچ فعالیتی در حوزه کتاب‌های بزرگسال ندارند و از همان ابتدای تأسیس، بنای خود را بر انتشار آثاری برای این مخاطبان کم سن و سال گذاشته‌اند. از نتایج حرفه‌ای شدن هر چه بیشتر این بخش نشر را می‌توان در ورود جدی‌تر نویسندگان و تصویرگران به این عرصه دانست؛ اتفاقی که سبب کسب افتخارات متعددی برای فعالان بخش‌های مختلف نشر کودک و نوجوان شده، از «فرهاد حسن زاده» نویسنده‌ای که از وی به‌عنوان یکی از پنج نویسنده برتر جهان در ادبیات کودک و نوجوان تقدیر شده تا تصویرگرانی از کشورمان که هزارچندی نام آنان در فهرست نفرات برگزیده مطرح‌ترین جوایز بین‌المللی جای می‌گیرد؛ از جمله «محمد حسین ماتک» تصویرگر جوانی که به تازگی موفق به کسب جایزه «قلم طلایی بلگرد» شده، جایزه‌ای که امسال پنجاه و یکمین سال برپایی اش را در صربستان شاهد بودیم. البته این نخستین جایزه‌ای نیست که او طی حدود هشت سال فعالیت به دست آورده؛ «برنده جایزه اول گالای تصویرگران و نویسندگان ایالات متحده»، «برنده جایزه تصویرگری کتاب جوانی image of the books روسیه»، «منتخب جشنواره تصویرگری شارجه»، «برنده جشنواره cow اوکراین» و «برنده جایزه فینالیست کتاب‌های تصویری لیتل هاکا چین» از جمله آنها هستند. گفت‌وگوی امروزمان را با «محمد حسین ماتک» به بهانه انتشار نام وی به‌عنوان برنده «قلم طلایی بلگرد» می‌خوانید.

■ **باجایزه‌ای که به‌تازگی موفق به کسب آن شده‌اید شروع کنیم، «قلم طلایی بلگرد».** درباره جایگاه جهانی این رویداد هنری بگویید، بویژه به برپایی آن قدمتی دیرینه دارد.

پیشینه برگزاری این جایزه به دهه‌ها قبل بازمی‌گردد، به سال‌های حکمرانی اتحاد جماهیر شوروی سابق بر کشورهای اروپای شرقی. در این دوره با وجود برخی شرایط نامطلوب، رویدادهای رقابتی خوبی در زمینه‌هایی همچون پوستر، انیمیشن، فیلم کوتاه و تصویرگری شکل می‌گیرد، در کشورهایی که از جمله‌شان می‌توان به روسیه، صربستان ولهستان اشاره کرد. برخی از اینها عملکرد و اثرگذاری موفق‌تری داشتند، همین جایزه‌ای که اشاره شد پنجاه و یکمین دوره‌اش در سال جاری میلادی برگزار شد. «قلم طلایی بلگرد»، یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین جوایز تصویری گلدن دنیا است، هر چند که این کشورها طی سال‌های اخیر از بابت اطلاع‌رسانی عملکردی ضعیف داشته‌اند.

■ **این مسأله خلی در اعتبار بین‌المللی جایزه وارد نگردد؟**

اتفاقاً بار منفی داشته، تصویرگران جوان به سبب کم‌رنگ شدن اطلاع‌رسانی، نکات چندانی درباره این جایزه نمی‌دانند، اما اغلب تصویرگران قدیمی اهمیت بسیاری برای این جایزه قائل هستند. آنقدر که اگر بفرهمنند در دوره‌ای برگزیده قلم طلایی بلگرد شده‌اید نگاهی حرفه‌ای‌تر به شما خواهند داشت و حتی کارتان را جدی‌تر خواهند گرفت. برای نسل قبل تصویرگران کشورمان حضور و موفقیت در این رویداد هنری آنقدر ارزشمند بوده که حتی سختی ارسال آثار خود با پست رایج‌جان می‌خریدند. باین که نمی‌توان منکر کسب نامی مذکور شد. این را گفتم که بدانید قلم طلایی بلگرد همچنان جایگاه جهانی قابل تأملی دارد.

■ **در شرایط فعلی و با پیشرفت وسایل**

جمله نشر فاطمی که چند سالی است بخش کودک و نوجوان آن با عنوان «کتاب‌های طوطی» فعالیت دارد شامل گفته‌تان می‌شوند. عمر این تغییر هم چندان طولانی نیست، اما به هر حال شروع خوبی است و می‌تواند به دیگر مؤسسات نشر هم تسری پیدا کند. امیدوارم متولیان کانون پرورش‌ی و دیگر مؤسسات نشر متوجه این ضرورت بشوند. این مشکلی است که اگر رفع شود، کتاب‌های ما، چه از بابت تصویرگری و چه به جهت داستان به جایگاه خوبی دست پیدا می‌کنند.

■ **در نظر گرفتن این ضرورت چقدر در فروش خارجی «حقوق مالکیت» آثارمان مؤثر خواهد بود؟**

بی‌شک تأثیر زیادی خواهد داشت؛ ناشری که رعایت استانداردها را روال کار خود کرده در زمینه فروش رایت به ناشران خارجی هم عملکرد بهتری دارد. بخشی از این بی‌توجهی نشأت گرفته از ناآگاهی ناشران است.

■ **طی سال‌های اخیر نگاه ناشران این گروه سنی قدری حرفه‌ای‌تر شده، اینها هم متوجه ضرورت مذکور نشده‌اند؟**

بحث همان ناآگاهی در میان است. یکی از آثار خود من که جایزه تصویرگری مهمی کسب کرده، حدود پنج سال است که هنوز منتشر نشده و این در حالی است که ناشر مذکور، ناشر خصوصی است. بخش خصوصی هم آن‌طور که باید هنوز ضرورت‌ها را جدی نگرفته است.

■ **هم اکنون که دبیر تحریریه حداقل مؤسسات نشر بزرگ از خود اهالی کتاب هستند!**

اما برای اینها هم سرعت عمل حتی به رعایت استاندارد‌ها رجحیت دارد. در مواردی هم تصویرگران حرفه‌ای مدیریت امور هنری برخی از این مؤسسات نشر را به عهده دارند که این بی‌توجهی متأسفانه درباره آنان هم وجود دارد. نمی‌دانم! شاید عمای مشکلات هماهنگی میان ناشر، نویسنده و تصویرگر را به لقای آن بخشیده‌اند.

■ **این موفقیتی است که حتی فراتر از مؤسسات بنفعد ادبیات کشورمان است!**

بله و به چنین نگاهی در همه مؤسسات نشر کودک و نوجوان نیاز داریم. وقتی من تصویرگر در قفلان جایزه خارجی برگزیده شوم ناشر هم تبدیل به «برند» می‌شود. این در شرایطی است که حتی انجمن تصویرگران ما هم آن‌طور که باید فعالیت نمی‌کند، درباره همین جایزه‌ای که در شروع گفت‌وگو به آن اشاره شد کوچک‌ترین خبری منتشر نکردند، حتی نوشنند که فلان تصویرگر کشورمان موفق به دریافت جایزه‌ای خارجی شده. مگر غیر از این است که موفقیت در هر عرصه در وهله نخست، افتخاری برای صنعت مرتبط با آن است! اینها مسائلی است که درباره هر کدام می‌توان ساعت‌ها صحبت کرد. به همین دلیل، طی سال‌هایی که از ورودم به این عرصه می‌گذرد تلاش کرده‌ام اساس زندگی مالی‌ا را بر فعالیت در

ابتدای راه هستیم، هر چند که من اصولاً به کودک و نوجوان آن با عنوان «کتاب‌های طوطی» فعالیت دارد شامل گفته‌تان می‌شوند. عمر این تغییر هم چندان طولانی نیست، اما به هر حال شروع خوبی است و می‌تواند به دیگر مؤسسات نشر هم تسری پیدا کند. امیدوارم متولیان کانون پرورش‌ی و دیگر مؤسسات نشر متوجه این ضرورت بشوند. این مشکلی است که اگر رفع شود، کتاب‌های ما، چه از بابت تصویرگری و چه به جهت داستان به جایگاه خوبی دست پیدا می‌کنند.

■ **باز گردیم به خود کتاب و این که فکر می‌کنید وجود چه شاخص‌هایی در آن سبب جلب توجه داوران این جایزه خارجی شده؟**

درباره این کتاب بحثی دوپهلو مطرح است، مسأله‌ای که در برخی جشنواره‌ها سبب جلب توجه داوران شده و درباره تعدادی هم اصلاً موفق نبود. برای تصویرگری این کتاب از طیف بسیار محدود رنگ‌ها استفاده کرده‌ام

که در عین حال حتی کدر هستند؛ بیشتر هم در طیف رنگ‌های اخرابی به‌شمار می‌آیند. ■ **استفاده از این روش برای مخاطبان کودک ریسک‌کننده؟**
بویژه که بازی بارنگ‌دار رابطه با این گروه سنی به‌نظر راهکار خوبی در جذب آنان است.

اتفاقاً تلاش من این بود که ثابت کنم برخی تصورات درباره مخاطبان کودک

و نوجوان تبدیل به کلیشه شده‌اند. شاید به جهتی گفته‌تان صحیح باشد. بله برای مخاطبان کم سن و سال بازی با رنگ نوعی راهکار خوب به حساب می‌آید اما می‌توان گاهی این باایدها را کنار گذاشت و راه‌های دیگری را امتحان کرد. از حق نگذریم که بخشی از موفقیت شرکت‌کنندگان در جوایز خارجی در گرو شناسن است؛ اینکه ممکن است تصویرگری با داستان یک کتاب حتی عالی باشد اما کتایی ضعیف‌تر مورد توجه داور قرار بگیرد.

■ **خود شما وقتی تصویرگری کتابی را قبول می‌کنید چقدر به داستان آن توجه دارید؟**

اگر گذران زندگی مالی من وابسته به این شغل باشد ناچار به قبول هر کاری هستم، در غیر این صورت دست بازتری برای انتخاب خواهم داشت. به‌همین دلیل معتقدم که نمی‌توان به برخی همکاران نقد کرد، خب بالاخره باید از یک راهی امرار معاش کرد یا نه؟ هر چند که خوشبختانه من به سبب آنکه به کارهای مرتبط دیگری هم مشغول هستم موانع کمتری دارم.

■ **اما چرا درباره همین کتابی که به داستان آن نقد دارید چنین حساسیتی به خرج نداده‌اید؟**

اگر صادق باشم اینجا بحث همکاری با کانون پرورش فکری برای من مهم بود، تا قبل از این کتاب چنین تجربه‌ای نداشتم و خواهان این بودم که تصویرگری کتاب برای کانون هم در کارنامه کاری‌ام درج شود. حتی دوره قبل که به‌عنوان تصویرگر منتخب به مراسم «ارتسلاپا» رفتم، آنان از من درباره اینکه با کانون همکاری داشته‌ام یا نه می‌پرسیدند. این نشان می‌دهد که کانون حتی در خارج کشور هم به‌دلیل سابقه‌اش همان قدر که تصویرگران توجهی به مطالعه ندارند نویسندگان جوان هم این ضرورت را

■ چهارشنبه ۱ دی ۱۴۰۰

■ سال بیست و هفتم

■ شماره ۷۸۰۵



کتاب دوست بهتره یا کلوچه؟ – انتشارات کانون

ناخواه سنگینی سایه سیاست در تصویرگری به مراتب کمتر از ادبیات و سینماست. هر چند که در نهایت داستان با تصویرگری خوب راه خود را پیدا می‌کند.

■ **جزئیات رمانی پذیرد. موفقیت تصویرگری این کتاب‌تان را در همین مسأله‌می‌دانید؟**

باز هم می‌گویم تردیدی نیست که در جوایز، حداقل در حیطه فرهنگ و هنر شناسن تا اندازه زیادی دخیل است. با این حال، به این مسأله هم به گمانم اثر زیادی داشته، در صورتی که ذائقه سنجی درستی داشته باشیم در عرصه جهانی هم به موفقیت‌های بیشتری دست پیدا خواهیم کرد.

■ **البته در شرایطی که این ذائقه سنجی به درستی صورت بگیرد و کار به تقلید از آثار هنری در عرصه جهانی نکشد!**
همین‌طور است، برخی هنرمندان به جای ارتقای کار خود سراغ تقلید رفته‌اند، فکر می‌کنند با الگوبرداری قادر به خلق آثاری هستند که توجه داوران رویدادهای جهانی را به خود جلب کند. البته من با گرته‌برداری مخالف نیستم، خود من ممکن است در تصویرم از کارهای هنرمندان شاخص جهان بهره ببرم.

■ **از توجه بیشتر تصویرگران به ذائقه سنجی مخاطبان گفتید، غیر از این چه عملی را در**

ایرانی با خارجی را با یکدیگر درآمیخت و دست به خلق تصاویری زد که مورد قبول هر دو گروه شوند. دنیای امروز تصاویر مملو از جزئیات رمانی پذیرد.

■ **موفقیت تصویرگری این کتاب‌تان را در همین مسأله‌می‌دانید؟**
باز هم می‌گویم تردیدی نیست که در جوایز، حداقل در حیطه فرهنگ و هنر شناسن تا اندازه زیادی دخیل است. با این حال، به این مسأله هم به گمانم اثر زیادی داشته، در صورتی که ذائقه سنجی درستی داشته باشیم در عرصه جهانی هم به موفقیت‌های بیشتری دست پیدا خواهیم کرد.

■ **البته در شرایطی که این ذائقه سنجی به درستی صورت بگیرد و کار به تقلید از آثار هنری در عرصه جهانی نکشد!**

همین‌طور است، برخی هنرمندان به جای ارتقای کار خود سراغ تقلید رفته‌اند، فکر می‌کنند با الگوبرداری قادر به خلق آثاری هستند که توجه داوران رویدادهای جهانی را به خود جلب کند. البته من با گرته‌برداری مخالف نیستم، خود من ممکن است در تصویرم از کارهای هنرمندان شاخص جهان بهره ببرم.

■ **از توجه بیشتر تصویرگران به ذائقه سنجی مخاطبان گفتید، غیر از این چه عملی را در**



توجه بیشتر به آثار تصویرگران ایرانی در خلال برپایی جشنواره‌های خارجی می‌دانید؟
شاید یکی از مهم‌ترین موارد آن توجه تصویرگران به شاخص‌های جهانی باشد.

■ **و در این بین نگاه بومی تصویرگران کشورمان چقدر در دیده شدن آثار آنان اثرگذار بوده؟**

این مسأله حتی در خلق آثار ادبی هم اثرگذار است. هر چند ناگفته نماند که هزارچندی حتی نگاه سیاسی داوران نسبت به زاد‌گاه هنرمندان شرکت‌کننده نیز اثرگذار است.

■ **همچون اتفاقی که در جایزه نوبل، بویژه بخش ادبیات آن شاهد هستیم!**

بله، گاهی اوقات به‌دلیل سوگیری‌های سیاسی، برگزارکنندگان برخی از این جوایز توجهی به تصویرگری‌های ایرانیان نمی‌کنند؛ این در حالی است که ممکن است شایسته انتخاب به‌عنوان برگزیده باشند. البته خواه

مگر می‌شود بی‌توجه به اینکه یک نوشته در حیطه ادبیات کهن است یا داستانی پست مدرن، تصاویر بی‌توجهی‌های بسیاری رویه رو هستیم. شما اصلاً اگر سری به تصویرگران قدیمی بزنید و پای صحبت‌های آنان بنشینید، متوجه خواهید شد که نه تنها در کار خود با‌تجربه هستند بلکه اهل مطالعه بوده و دنیای ادبیات را هم به‌خوبی می‌شناسند. حتی بخش قابل توجهی از افرادی که موفق به کسب جایزه شده‌اند هم آشنایی هستند که درباره کار خود مطالعه دارند. اینجا شغل ناچار به قبول هر کاری هستم، در غیر این صورت دست بازتری برای انتخاب خواهم داشت. به‌همین دلیل معتقدم که نمی‌توان به برخی همکاران نقد کرد، خب بالاخره باید از یک راهی امرار معاش کرد یا نه؟ هر چند که خوشبختانه من به سبب آنکه به کارهای مرتبط دیگری هم مشغول هستم موانع کمتری دارم.

■ **اما چرا درباره همین کتابی که به داستان آن نقد دارید چنین حساسیتی به خرج نداده‌اید؟**

اگر صادق باشم اینجا بحث همکاری با کانون پرورش فکری برای من مهم بود، تا قبل از این کتاب چنین تجربه‌ای نداشتم و خواهان این بودم که تصویرگری کتاب برای کانون هم در کارنامه کاری‌ام درج شود. حتی دوره قبل که به‌عنوان تصویرگر منتخب به مراسم «ارتسلاپا» رفتم، آنان از من درباره اینکه با کانون همکاری داشته‌ام یا نه می‌پرسیدند. این نشان می‌دهد که کانون حتی در خارج کشور هم به‌دلیل سابقه‌اش همان قدر که تصویرگران توجهی به مطالعه ندارند نویسندگان جوان هم این ضرورت را

مگر می‌شود بی‌توجه به اینکه یک نوشته در حیطه ادبیات کهن است یا داستانی پست مدرن، تصاویر بی‌توجهی‌های بسیاری رویه رو هستیم. شما اصلاً اگر سری به تصویرگران قدیمی بزنید و پای صحبت‌های آنان بنشینید، متوجه خواهید شد که نه تنها در کار خود با‌تجربه هستند بلکه اهل مطالعه بوده و دنیای ادبیات را هم به‌خوبی می‌شناسند

جدی نمی‌گیرند.

■ **این نقد که به هر وظیف و وارد است، نکفتید دلیل این موفقیت را در چه می‌دانید؟**

شاید بحث ذائقه سنجی بهتر مخاطب است، به‌نظر می‌رسد تصویرگران در این زمینه موفق‌تر از نویسندگان بوده‌اند. در همین کتاب «ماچوچه و کلاغ» با داستانی بومی

رویه‌رو بودم، داستانی فولکلور از خراسان که اگر دنبال مطالعه درباره زندگی مردمان این بخش از کشورمان نمی‌رفتم باید به تصاویری

تکراری اکتفا می‌کردم. با این حال تصمیم گرفتم با قدری مطالعه درباره زیسته بوم

آن بخش کشورمان، تصاویری باورپذیرتر از زندگی‌شان به تصویر بکشم. از طرفی به این مسأله توجه کردم امروز دنیای شبکه‌های

اجتماعی است، امروز ما هم حوصله شده‌اند. بنابراین حتی بد نیست که در تصویرگری از تصاویر شلوغ و مملو از جزئیات صرف نظر

کنیم. در این رابطه می‌توان ذائقه مخاطبان

ادبیات

۹